

The Role of Ansar Allah in Yemen and the Impact of Its Actions on Regional and Global Dynamics

Mohammad Reza Farhadi¹ | Behzad Ghasemi²

1.Ph.D. Student, Department of Regional Studies, School of International Studies, Imam Hossein Comprehensive University, Tehran, Iran

2.Associate Professor of History of the Islamic Revolution, Department of Resistance Geopolitics, School of International Studies, Imam Hossein Comprehensive University, Tehran, Iran

Abstract

The present article aims to examine the role of Ansar Allah in Yemen and identify the impacts of this movement's actions on regional and global issues. The research problem is to explain the influence of Ansar Allah's role and its effects on regional and global dynamics, with a focus on regional issues. The research method is mixed, utilizing a combination of qualitative methods based on documents and note-taking, as well as quantitative statistical methods and questionnaires. In terms of objective, this article is considered applied research, and since it seeks to discover the effects of an event by examining existing subjects and identifying prevailing trends, it adopts a descriptive approach. The research findings indicate that the current role of Ansar Allah in Yemen influences regional and global dynamics from various perspectives. These include factors such as impact on political and military issues—emphasizing the failure of American and Arab plans regarding Yemen, the decline of American hegemonic power, increased bargaining power for Ansar Allah, influence on energy issues, influence on geopolitical matters, and impact on broader regional issues such as demonstrating and consolidating its role as an influential regional actor.

Keywords: Ansar Allah, Regional Power, Yemen, War

بازیگری انصارالله یمن و تأثیر اقدامات آن بر معادلات منطقه‌ای و جهانی

محمد رضا فرهادی^۱ | بهزاد قاسمی^۲

۱۲

سال هفتم

بهار و تابستان ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۱۰/۳۰

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۱/۲۷

صص: ۲۳۷-۲۱۱

شاپا چاپی: ۶۳۲۸-۲۵۳۸

الکترونیکی: ۱۶۵۵-۲۷۱۷



DOR: 20.1001.1.25386328.1404.7.12.8.2

چکیده

هدف مقاله حاضر، بررسی نقش‌آفرینی جنبش انصارالله یمن و شناسایی تأثیرات اقدامات این گروه بر مسائل منطقه‌ای و جهانی است. مسئله اصلی پژوهش، تبیین چگونگی تأثیرگذاری بازیگری انصارالله بر معادلات منطقه‌ای و جهانی، با تمرکز ویژه بر ابعاد منطقه‌ای آن است.

روش تحقیق در این مطالعه، آمیخته و تلفیقی از رویکردهای کیفی و کمی است؛ در بخش کیفی، از تحلیل اسناد و فیش‌برداری بهره گرفته شده و در بخش کمی، از روش‌های آماری و پرسش‌نامه استفاده شده است. این مقاله از نظر هدف، در زمره تحقیقات کاربردی قرار می‌گیرد و با توجه به اینکه در پی کشف تأثیرات یک رویداد و شناسایی روندهای حاکم بر آن است، رویکردی توصیفی دارد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نقش‌آفرینی کنونی انصارالله یمن از جنبه‌های مختلفی بر معادلات منطقه‌ای و جهانی اثرگذار است. این تأثیرات شامل مواردی چون: تأثیرگذاری بر مسائل سیاسی و نظامی با تأکید بر ناکامی طرح‌های آمریکایی و عربی در قبال یمن، افول قدرت هژمونیک ایالات متحده، افزایش قدرت چانه‌زنی انصارالله، تأثیرگذاری بر حوزه انرژی، تأثیرگذاری بر مسائل ژئوپلیتیکی و نیز تأثیرگذاری بر مسائل کلان منطقه‌ای مانند نمایش قدرت منطقه‌ای و تثبیت جایگاه انصارالله به عنوان یک بازیگر مداخله‌گر است.

کلیدواژه‌ها: انصارالله، قدرت منطقه‌ای، یمن، جنگ

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری، گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشکده مطالعات بین الملل، دانشگاه جامع امام حسین (ع)،

تهران، ایران. Email: mreza6902@gmail.com

۲. دانشیار تاریخ انقلاب اسلامی، گروه ژئوپلیتیک محور مقاومت، دانشکده مطالعات بین الملل، دانشگاه جامع امام حسین (ع)،

تهران، ایران.

مقدمه و بیان مسئله

جنبش انصارالله را باید یکی از جدیدترین و تأثیرگذارترین جنبش‌های مذهبی سیاسی در عرصه منطقه در نظر گرفت. این جنبش که بعد از درگیری‌های سال ۲۰۱۱ میلادی به انصارالله معروف شد، از ریشه‌های طولانی و عمیق در بین مردم یمن برخوردار است. مقدمه خیزش جنبش انصارالله در یمن تأکید بر هویت فرقه‌ی زیدیه بوده است. انصارالله یمن که در ابتدای تجاوز عربستان به یمن در سال ۱۳۹۴ بیشتر یک گروه محلی بود، در طول چند سال اخیر و به‌ویژه در زمان بحران این کشور به یک بازیگر مهم و کلیدی در سطح داخلی و حتی منطقه‌ای و جهانی تبدیل شده است. تأثیرگذاری انصارالله بر معادلات جهانی و منطقه‌ای به‌ویژه بعد از عملیات طوفان الاقصی منجر به ایجاد بازآفرینی سطوح مختلفی از قدرت در سطوح منطقه‌ای شد که در آن انصارالله به‌عنوان بازیگری مهم دارای نقش آفرینی‌های گسترده شد. به‌گونه‌ای که این جنبش از یک سو در بحث داخل یمن به سمت دولت‌سازی و مقابله با تهاجمات محور عربی به رهبری عربستان سعودی شد و در سطح منطقه‌ای در جهت ایدئولوژی وحدت ساحات و مقابله با آمریکا و اسرائیل به مقابله با اقدامات و حملات آمریکا و اسرائیل در سطح منطقه پرداخت.

انصارالله را باید به‌عنوان یک مدل و الگویی از جنبش‌ها معرفی کرد که از سطوح پایین و محلی اقدام به تکوین کرده و اکنون در سطح منطقه‌ای و جهانی دارای تأثیرگذاری بر مسائل مهم است. در طول این دوران نیز اقدامات متعددی در جهت مقابله با انصارالله توسط کشورهای سلطه‌گر منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای همچون جنگ داخلی، تحریم‌های اقتصادی و قرار دادن در لیست سازمان‌های تروریستی صورت گرفته است، اما این موارد منجر به توقف رشد و تکوین این جنبش به یک دولت-ملت ساختارمند نشده است که در آن علاوه بر مقبولیت‌های عمومی در سطح افکار عمومی دارای توانمندی‌های کیفی در عرصه‌های نظامی، امنیتی و اطلاعاتی و حتی اقتصادی و اجتماعی است. به‌عنوان نمونه درهم گسیختگی مسائل اجتماعی را با همراهی مردم در سطح مقبولیت عامه یعنی پشتیبانی از اقدامات دولت ملی یمن در پیش گرفته است.

با وجود رهبری انصارالله در تحولات سال ۲۰۱۱ میلادی و اقدامات بعدی محور عربی همچون تجاوز به یمن در سال ۲۰۱۴ میلادی، این جنبش امروزه بازیگری خود را در عرصه منطقه‌ای با

شکست طرح‌های عربی-آمریکایی و در سطح داخلی با شکست گروه‌های تروریستی و نیابتی و در سطح جهانی با انجام اقداماتی همچون حمله مستقیم به اسرائیل و منافع آمریکا در منطقه و اختلال در تجارت اسرائیل با کشورهای دیگر و همچنین تحت سلطه قرار دادن مناطق مهمی همچون دریای سرخ و توان در جهت ایجاد هرگونه اختلال در آن منجر به تبدیل شدن این جنبش به یک بازیگر مهم و جهانی در سطح منطقه‌ای و جهانی شده است که در آن بازیگری این جنبش بر معادلات منطقه‌ای و جهانی را سبب شده است. اهمیت و ضرورت این پژوهش آن است که به کمک آن می‌توان به نقش خاص انصارالله به عنوان یکی از مؤلفه‌های قدرت محور مقاومت و تأثیر آن بر معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی پی برد و پژوهش حاضر به دنبال بررسی موضوع بازیگری انصارالله یمن به‌ویژه در طول یک دهه اخیر و تأثیرات آن بر معادلات منطقه‌ای و جهانی است.

مبانی نظری

در نظریه‌های موازنه قوا، اتحادها زمانی شکل می‌گیرند که دولت‌ها سیاست خود را به دولت‌هایی نزدیک می‌کنند تا آسان‌تر به اهداف امنیتی متقابل نائل آیند. از این منظر، نیازی نیست عوامل و مؤلفه‌های درونی برای اتحاد کشورها مدنظر قرار گیرد و به اشتراک در عوامل داخلی برای شکل‌گیری اتحادها نیازی نیست. دیوید مفروضات نظریه پردازان موازنه قوای واقع‌گرایان سنتی و نو واقع‌گرایان را رد و نظریه جایگزین خود، «موازنه همه‌جانبه» را پیشنهاد می‌کند. از نظر او، نظریه‌های موازنه قوا در تمام حالات قابل استفاده نیستند و در برخی موارد باید به مسئله تهدیدات نسبت رهبری و خاندان توجه داشت تا تهدیدات نسبت به کشور.

موازنه همه‌جانبه برای برطرف‌سازی نقص‌های نظریه موازنه قوای واقع‌گرایان کلاسیکی نظیر مورگنتا و نو واقع‌گرایانی نظیر والتز، مطرح شده است. این نظریه که توسط «استیون دیوید» ارائه شده، در اصل بر پایه نظریه‌های موازنه قوا قرار دارد؛ اما می‌کوشد برخی وجوه آن را روزآمد کند. دیوید در نظریه موازنه همه‌جانبه با محدود کردن حوزه بررسی نظریه موازنه قوا، بیشتر بر روی کشورهای در حال توسعه تمرکز کرده است. او می‌کوشد توضیح دهد که چرا و چگونه دولت‌های در حال توسعه به سمت اتحاد با یکدیگر حرکت می‌کنند. به نظر دیوید با استفاده از نظریه موازنه

همه‌جانبه بهتر می‌توان شکل‌گیری اتحادها و رفتار آینده اتحادها در کشورهای درحال توسعه را پیش‌بینی کرد.

دیوید معتقد است نظریه «موازنه قوا» ی سنتی نمی‌تواند تصمیمات منجر به بروز اتحادها در کشورهای درحال توسعه را تحلیل کند؛ زیرا مفروض آن‌ها، بر ایجاد تفکیک نظم داخلی و نظم بین‌المللی است. در حقیقت، در بسیاری از کشورهای درحال توسعه، دولت‌ها ناتوان یا نامتایل از تضمین ثبات و نظم برای شهروندان خود هستند؛ بنابراین، نظریه موازنه همه‌جانبه معتقد است رهبران این دولت‌ها با اولویت کمک به خود در مقابل تهدیداتی که حکومت و حتی بقای آن‌ها را تهدید می‌کند، با هم متحد می‌شوند (David, 1991: 236).

نظریه موازنه همه‌جانبه مانند موازنه قوا، قرار گرفتن موضوع بقا در رأس همه اهداف دولت‌ها را می‌پذیرد؛ اما این موضوع را به رهبران دولت‌ها در کشورهای درحال توسعه نیز تسری داده و معتقد است برای رهبران دولت‌ها در این کشورها، نیز مسئله اساسی، بقاست و از این رو، ماهیت اتحادها در کشورهای درحال توسعه و وضعیت متفاوت تری در مقایسه با دیگر کشورها دارد. دیوید توصیه می‌کند واقع‌گرایی باید ارزیابی و سریع‌تری از تهدیدات داشته باشد و تهدیدات داخلی را نیز شامل شود و سطح تحلیل افراد؛ یعنی رهبران دولت‌ها را نیز مدنظر قرار دهد (Beswick, 2010: 233). دیوید معتقد است علقه‌هایی در درون دولت‌های درحال توسعه وجود دارد که حتی از ملیت و سرزمین برای رهبران این دولت‌ها مهم‌تر است. این علقه‌ها می‌تواند شامل: قبیله، قومیت، مذهب و یا خاندان شخص حاکم باشد. دیوید تأکید می‌کند چنین دولت‌هایی برای حفظ قدرت خود، به دنبال جذب متحدان خارجی در سطح منطقه‌ای و یا بین‌المللی هستند. این نقطه‌ای است که نظریه موازنه همه‌جانبه را از نظریه‌های سنتی موازنه قوا و همچنین، از نظریه‌های جدیدتری مانند موازنه تهدید «استفان والت» جدا کرده و خواستار تمایزگذاری در بررسی ماهیت اتحادها در جهان سوم با سایر نقاط می‌شود (پورحسن و سیفی، ۱۳۹۵: ۸).

دلیل استفاده از این نظریه در پژوهش حاضر به خاطر آن است که انصارالله امروزه علاوه بر تشکیل یک دولت وحدت ملی در داخل یمن و شناخته شدن به عنوان یک بازیگر مستقل در عرصه داخلی یمن، در همراهی با سایر اضلاع مقاومت به دنبال تشکیل یک ائتلاف منطقه‌ای و جهانی برای مقابله با آمریکا و اسرائیل است که این ائتلاف صرفاً رویکردی ایدئولوژیک نخواهد داشت و

می تواند شامل کشورهای دیگری نیز باشد. در واقع انصارالله با انجام اقدامات متعدد علیه منافع استکباری امریکا و اسرائیل متر صد تشکیل یک ائتلاف منطقه ای برای مقابله با امریکا و اسرائیل است که در آن رویکرد همه جانبه گرایی مورد نظر این بازیگر است.

ادبیات پژوهش

تأسیس جنبش حوثی ها

هویت هر ملت، موضوعی در قلمرو جغرافیای سیاسی و نیز مربوط به چگونگی پیدایش و بقای آن است. بدیهی است احساس تعلق فرد به جامعه و محیط جغرافیایی، هویتی ویژه به فرد و جامعه پیرامونی وی می بخشد؛ بنابراین، ملت همواره عنصری هویت بخش بوده است. در این راستا، زبان و دین، از عناصر مهم هویتی ملت ها بر شمرده می شوند (کریمی فرد، جمشیدی، ۱۳۹۸: ۹) بر همین اساس مقدمه - ه خیزش جنبه - ش انصار الله در یمن، تأکید بر هویت فرقه ش - یعه زیدیه بوده است. بررسی جنبش انصارالله نیازمند کنکاشی جامع پیرامون مذهب زیدیه است. به طور کلی عقاید زیدیه که بیشتر گروه های زیدیه هم به آن اعتقاد دارند عبارت اند از:

- وجوب قیام علیه حاکم ظالم در هر شرایطی؛
- عدم حضور آگاهی امام از عالم غیبت؛
- عدم لزوم عصمت امام؛
- مذمت نکردن شیخین؛
- نص پنهان بر امامت حضرت علی و دو فرزندش با تعیین اوصاف آنان نه تصریح به اسم و نام ایشان؛
- پیوند نسبی با حضرت فاطمه سلام الله علیها (میراحمدی و احمدوند، ۱۳۹۴: ۶).

در زمان رهبری سید حسین بدرالدین حرکات ضد استعماری مختلفی با شعار استکبارستیزی و مقابله با امریکا در سطح مناطقی از یمن به وجود آمد. سید حسین به رغم اینکه به دلیل جانبداری از انقلاب اسلامی ایران و حزب الله و حمایت از مقاومت اسلامی فلسطین با رژیم عبدالله صالح دچار اختلاف شده بود، همچنان با شجاعت سیاست های مداخلانه جویانه امریکا در یمن را

محکوم می‌کرد. وی شعار «الله اکبر، مرگ بر آمریکا، مرگ بر رژیم صهیونیستی، لعنت بر یهود و پیروز باد اسلام» را شعار رسمی حوثی‌ها اعلام کرد و طرفداران وی پس از هر نمازی این شعار را سر می‌دادند (نیاکویی، ۱۳۹۱: ۴).

یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های که به تأثیر جنبش حوثی‌ها از انقلاب ایران در یمن حادث شد، تغییر و تحول مراسم مذهبی بود. جامعه شیعیان زیدی به تدریج تحت تأثیر برخی از مراسم‌های شیعیان دوازده‌امامی هویت و مبانی فکری جنبش انصارالله در یمن همانند عزاداری روز عاشورا و دعای کمیل قرار گرفتند. این مراسم تا پیش از انقلاب ایران در میان زیدی‌ها مرسوم نبود ولی در حال حاضر تعداد زیادی از شیعیان زیدی روش ایرانیان و شیعیان عراق را در پیش گرفته‌اند. آن‌ها اکنون روز عاشورا عزاداری می‌کنند و گرایش عمیقی به خواندن دعای کمیل و مفاتیح‌الجنان دارند (العماد، ۱۳۸۷: ۲۳۰-۲۳۱).

علاوه بر این امروزه به هدایت عبدالملک الحوثی - رهبر فعلی انصارالله - در مؤسسات فرهنگی این جنبش درسی به نام تجارب فرهنگی انقلاب ایران تدریس می‌شود (العماد: ۱۳۸۴، ۱۲). این مسئله به نگاه آبا و اجدادی عبدالملک برمی‌گردد که عبدالعزيز قائد المسعودی، نویسنده کتاب «الشکالیه الفکر الزیدی فی یمن المعاصر» سیدالحوثی را حریص‌ترین کس بر احیای مذهب اهالی عدل و توحید دانسته و برای وی نقشی چون امام الیهادی یحیی بن حسین قائل است (المسعودی، ۲۰۰۸: ۱۲).

درمجموع می‌توان جنبه فرهنگی خیزش انصارالله را در سه محور خلاصه نمود:

- شیعی بودن و حضور مبانی شیعه در آن؛
- نقد وضعیت موجود؛ خاصه اعتراض به فعالیت‌های سکولاریسمی دولت یمن جهت مهیا کردن شرایط برای فعالیت وهابیون، دخالت‌های گاه‌وبیگاه عربستان و آمریکا در امور یمن؛
- ترویج افکار امام خمینی و انقلاب اسلامی ایران در زمینه‌هایی چون مبارزه با آمریکا و اسرائیل.

باید به این موارد الگو گرفتن از حزب الله لبنان خاصه در امور نظامی را نیز یادآور شد. واکنش دولت مرکزی یمن به این فعالیت‌ها یکی از دلایل اساسی شروع درگیری‌ها بین دولت مرکزی و این جریان است. بعد از این درگیری‌هاست که این جریان با ادبیاتی که دولتی‌ها باب می‌کنند نام می‌گیرند و همین‌طور این تعبیر در کل دنیا ترویج می‌گردد و این جریان به نام جنبش حوثی‌ها معروف می‌شود. از سال ۲۰۰۴ که اولین دوره درگیری‌ها بود بعد از ۷ جنگ تمام‌عیار اکنون این گروه سیاسی، فرهنگی با عنوان انصارالله همان نقشی را در یمن دارد که حزب‌الله در لبنان ایفا و عمده فعالیت آن‌ها عبارت است از فتح یک‌به‌یک پایگاه‌های سلفیون در شهرهای یمن (عظیمی دولت‌آبادی و سیف، ۱۳۹۶: ۱۵).

دولت یمن به‌منظور مقابله با جریان حوثی‌ها با اجرای طرحی گسترده در شمال یمن، ریشه‌های فرهنگی و اعتقادی زیدی‌ها را هدف قرار داد. نشانه‌های این طرح عبارت بود از: گنجاندن مبانی شافعی در کتب درسی مدارس صعده، ممنوعیت برگزاری مراسم مذهبی مانند عید غدیر و عزاداری روز عاشورا، ممنوعیت سردادن شعارهای ضد آمریکا و رژیم صهیونیستی در مساجد و تجمعات، ممنوعیت چاپ و ترویج نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه و جلوگیری از تأسیس مدارس مذهبی زیدی در صعده، فعالیت‌های عربستان در مناطق زیدی نشین یمن و صرف پول‌های فراوان برای تبلیغ وهابیت. این دلایل در کنار تلاش دولت برای سیطره نظامی بر صعده به منظور سرکوب زیدیان منطقه که مخالف ترویج وهابیت بودند، باعث بروز نخستین درگیری در سال ۲۰۰۴ شد (صوفی، ۱۳۹۶: ۵۰-۴۷).

۲- بیداری اسلامی و ظهور انصارالله یمن

پس از حوادث رخ داده در کشورهای عربی که به نام‌هایی مانند «بیداری اسلامی»، «بهار عربی» و... معروف شده‌اند، یمن نیز صحنه بروز برخی از شورش‌ها و ناآرامی‌های داخلی شد؛ مسائلی که به‌مرور رنگ انقلاب به خود گرفت و باعث ورود قدرت‌های مهم منطقه‌ای به تحولات این کشور شد (هاشمی نسب، ۱۳۸۸: ۲۹۴).

در نتیجه با شکل‌گیری خیزش‌های مردمی در منطقه غرب آسیا از سال ۲۰۱۱، یمن نیز همانند سایر کشورهای منطقه درگیر بحران‌های سیاسی شد. با این وجود یمن یک نمونه متفاوت از سایر کشورها بود، زیرا طی توافقنامه‌ای که در شورای همکاری خلیج فارس با حضور نیروهای مخالف

یمنی و دولت این کشور به دست آمد، مصونیت علی عبدالله صالح از پیگرد قضایی تضمین شد و وی از مقام ریاست جمهوری کناره‌گیری و امور را به معاون خود عبدالربه منصور هادی سپرد (Aboueldahab, 2019:6).

به‌طور کلی مهم‌ترین عوامل انقلاب یمن و ظهور انصارالله به‌عنوان یک جنبش مهم در موارد ذیل بود:

الف) ناامنی داخلی: اعتراض‌های مردمی که حکومت‌های بن علی و مبارک را درنوردید ادامه یافت و پذیرش رژیم‌های امنیتی سرکوب‌گر را که برای دهه‌ها بر شهروندان خود وضع کرده بودند، دگرگون ساخت. (Lynch, 2012:110)

ب) مشکلات اجتماعی: یمن فقیرترین کشور خاورمیانه است و مردم آن از سوءتغذیه رنج می‌برند. (Blumi, 2011)

ج) فساد اقتصادی: می‌توان گفت فساد گسترده و ویژگی الیگارشیکی حکومت و اقتدارگرایی مبتنی بر هژمونی حزبی در یمن، نارضایتی احزاب و گروه‌های سیاسی اپوزیسیون را برانگیخته و بحران مشرووعیت عمیقی را در این کشور ایجاد کرده بود. این وضعیت با جانشینی منصور هادی به‌جای علی عبدالله صالح نه‌تنها بهبود پیدا نکرد، بلکه شدیدتر شد. به همین خاطر با اعتراض حوثی‌ها به منصور هادی و کشیده شدن این اعتراضات به پایتخت وی مجبور به ترک کشور و فرار به عربستان شد. (sharighi. 2013.11-12)

بازیگری انصارالله در یمن هم‌زمان با بیداری اسلامی

هم‌زمان با شروع بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در اواخر سال ۲۰۱۰م، قیام مردم یمن علیه دیکتاتوری علی عبدالله صالح نیز آغاز شد. این قیام پس از چند ماه منجر به سرنگونی وی شد، اما با دخالت غرب و برخی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از جمله عربستان این قیام منحرف و منجر به ریاست جمهوری عبدالربه منصور هادی شد. وی نیز همان روش و شیوه‌های حکومت‌داری علی عبدالله صالح را در پیش گرفت. گران شدن انرژی در این کشور بهانه خوبی به جنبش انصارالله داد تا جلوی انحرافات رئیس‌جمهور را بگیرد. با گسترش اعتراضات مردمی بر ضد منصور هادی دو عامل ذیل سبب اوج‌گیری در تحولات یمن گردید:

الف) بازداشت عوض بن مبارک (مسئول دفتر دولت هادی): بازداشت بن مبارک از سوی کمیته‌های مردمی وابسته به انصار الله باعث شد که هر یک از دو طرف تفسیری مختلف از آن ارائه کنند. دولت عبدربه و حامیان غربی و عربی آن از این اقدام به آدم‌ربایی تعبیر کردند و کوشیدند از آن به اقدام تروریستی تعبیر کنند حال آنکه انصار الله آن را به بازداشت انقلابی تعبیر کردند که در واکنش به تلاش‌های ایدایی وی برای کودتا علیه دستاوردهای انقلاب صورت گرفت.

ب) فدرالی کردن یمن: نسخه جدیدی که تلاش می‌شد در چارچوب قانون اساسی جدید یمن به کشور تجویز شود، نظام فدرال بود، آن‌هم به صورت چند ایالتی که این نسخه علاوه بر اینکه خطر تجزیه این کشور را به همراه داشت، تلاشی برای محروم کردن حوثی‌ها و زیدی‌ها به عنوان اکثریت حاکم بر یمن از دسترسی به دریا بود. هدف اصلی از طرح نظام فدرالی یکی جلوگیری از خودمختاری منطقه جنوبی و دوم عدم دسترسی انصارالله به خلیج عدن و دور بودن از تنگه استراتژیک باب المندب بود. درواقع با طرح چنین پیشنهادی بود که انصارالله از وجود کودتا و تجزیه کشور خبر داد و این اصل را مخالف با توافق طرفین بر اساس توافق قبلی دانستند و شروع کشمکش‌های طرفین از همین بحث آغاز گردید.

دو عامل فوق جرقه‌های درگیری دوباره در یمن را صورت داد که با آزادی بن مبارک و عدم تمکین منصور هادی به توافق صورت گرفته با انصارالله موسوم به توافق صلح و شراکت (که مهم‌ترین بند آن شرکت سایر گروه‌های یمنی در کابینه بود)، نیروهای انصارالله و دیگر گروه‌های یمنی به این نتیجه رسیدند که منصور هادی در راستای برنامه‌های کشورهای خارجی عمل کرده و وی با بی‌توجهی به خواسته‌های انقلابیون و فراهم کردن زمینه دخالت عربستان در یمن و توجه به مهره‌های رژیم عبدالله صالح، زمینه اختلاف با نیروهای انقلابی - که رهبری آن‌ها را حوثی‌ها (نیروهای انصارالله) بر عهده دارد- شد و در جهت طرح‌های آمریکا و عربستان، یمن را به سوی جنگ داخلی و تجزیه پیش برد و از سمت خود استعفا داد.

نیروهای انصار الله در جهت حفظ وحدت و تمامیت ارضی یمن و دفاع از خواسته‌های مردم و جلوگیری از درگیری‌های داخلی، کنترل شهر صنعاء، پایتخت یمن را در دست گرفتند و منصور هادی را که از مقام خود استعفا داده بود، در حصر خانگی قرار دادند. منصور هادی با پشتوانه عربستان و سایر دولت‌های ذی‌نفع در یمن به جنوب این کشور گریخت و با تشکیل یک دولت

مستقل در عدن سعی در تجزیه این کشور را داشت که با عدم همراهی گروه‌های جنوبی حتی موفق به تشکیل کابینه نیز نشد. در راستای شکست‌های پی‌درپی منصور هادی و کشورهای حامی وی و موفقیت‌های انصارالله، کشورهای هم‌پیمان منصور هادی با چراغ سبز آمریکا به گزینه آخر خود یعنی حمله نظامی به یمن روی آوردند.

حمله به یمن و تبدیل شدن انصارالله به بازیگر مهم منطقه‌ای

از مارس سال ۲۰۱۵ میلادی بازیگر اصلی خارجی در جنگ یمن در درجه نخست عربستان سعودی و بعد امارات متحده عربی بوده است. این امر به دلیل حمله این کشورها به یمن بود. به نظر می‌رسد در تقسیم کار صورت گرفته، عربستان سعودی بیشتر حملات هوایی را انجام می‌داد، در حالی که امارات متحده عربی نیروهای زمینی را در داخل یمن مستقر کرده بود (Hokayem, 2016: 11).

ایالات متحده آمریکا، انگلیس و فرانسه نیز از طریق ارائه پشتیبانی و اطلاعات لجستیکی به طور غیرمستقیم در جنگ همکاری می‌کردند (Al-Kahwati, 2019:7).

شورای امنیت ملل متحد قطعنامه ۲۲۰۱ را در ۲ آوریل ۲۰۱۵ به تصویب رساند و از حوثی‌ها خواست که طبق فصل هفتم منشور ملل متحد، به خشونت خاتمه دهند، نیروهای خود را از سرزمین‌های تصرف شده خارج کنند و سلاح‌های سنگین خود را تحویل دهند. Marani-Al & (Eshaq, 2017: 26).

بعد از مدتی عربستان سعودی و برخی کشورهای عربی به بهانه درخواست منصور هادی به یمن حمله کردند. هر یک از کشورهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای متناسب با منافع که دنبال می‌کردند به تعامل با این رخداد پرداختند. امارات با آغاز این بحران به سرعت به سمت جنوب یمن لشکرکشی کرد و برخی از جزایر استراتژیک را به تصرف خود درآورد (بیگی و باقری دانا، ۱۳۹۸: ۳۴۶-۳۴۱) و تا به امروز نیز سعی می‌کند تا به هر صورت ممکن این متصرفات را حفظ کند. امارات منافع خود را در تقسیم یمن به شمالی و جنوبی می‌بیند.

یکی از بازیگرانی که در حمله عربستان به یمن نقش داشت و نقش آفرینی گسترده‌ای انجام داد، اسرائیل بود. رژیم صهیونیستی از ابتدای جنگ با عربستان همراه بود، زیرا نگران قدرت یافتن نیروهای هم‌سو با جمهوری اسلامی ایران در یمن بود. کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس با آغاز

بحران یمن سلطنت خود را در خطر یافتند لذا در جهت حفظ امنیت حکمرانی خود از رژیم صهیونیستی استمداد طلبیدند؛ بنابراین رژیم صهیونیستی از بدو آغاز جنگ یمن هم در کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس حضور یافت و هم در یمن و تنگه باب المندب به ایفای نقش پرداخته و بنابر گفته رئیس سابق موساد، توانسته در طول جنگ به دستاوردهای مهمی نائل آید که مهم ترین آن ها اختلاف افکنی میان شیعه و سنی و تقسیم یمن به شمالی و جنوبی بود (حاتمی، بیگی، ۱۳۹۹: ۱۱).

بنابراین می توان بازیگری انصارالله و تبدیل شدن آن به یک بازیگر مهم منطقه ای را نشات گرفته از سه مؤلفه عنوان کرد:

الف) مقابله با بازیگران تروریستی و نیابتی داخلی: با وجود خلأ قدرت در یمن و هرج و مرج به وجود آمده در آن، بسیاری از گروه های تروریستی و تکفیری همچون القاعده و داعش و همچنین برخی بازیگران نیابتی همچون شورای انتقالی جنوب در گذر حملات ائتلاف عربی به یمن به مقابله با انصارالله پرداختند و اقدامات متعددی را مرتکب شدند.

در رابطه با گروه های تکفیری به ویژه القاعده در یمن می توان اذعان داشت که گسترش حضور و فعالیت القاعده در یمن برگرفته از راهبرد فراگیر این سازمان در گسترش فضای عملیاتی خود در سراسر جهان اسلام است و با دو هدف یمن را مورد توجه قرار داده است: نخست، نشان دادن پویایی و دوام فعالیت القاعده به غرب و نیز به طرفداران و اعضای خود؛ دوم، کاهش فشار بر شاخه مرکزی القاعده (در مناطق مرزی افغانستان و پاکستان) و سایر زیرمجموعه های این سازمان در عراق، سومالی و... گسترش ناامنی ها در جنوب و شمال یمن و تحلیل رفتن توان نیروهای یمنی در مقابله با این چالش ها و نیز پایین آمدن مبارزه با القاعده در فهرست اولویت های دولت یمن، همگی فضای مناسبی برای افزایش فعالیت این سازمان در یمن به وجود آورد. در مجموع با توجه به اتکای قاعده جهاد در جزیره العرب بر عوامل ساختاری یمن از قبیل ناکارآمدی اقتصادی و فقر و بیکاری گسترده، ساختار قبیله ای جامعه، شکاف های فرقه ای و سیاسی گسترده و جغرافیای طبیعی مناسب در گسترش حضور و فعالیت خود در این کشور، به نظر می رسد این سازمان فعالیت خود را با قدرت در یمن ادامه خواهد داد (احمدیان، ۱۳۸۹: ۲).

مقابله با بازیگران خارجی: در حمله ائتلاف عربی به یمن چیزی نزدیک به ۲۲ کشور در همراه کامل با این ائتلاف بودند و برخی از این بازیگرها در عرصه نظامی، برخی در عرصه هوایی و برخی دیگر در عرصه دریایی به ائتلاف عربی کمک می‌کردند که باوجود این همه حمایت و کمک مالی، تسلیحاتی و نظامی توان شکست انصارالله را نداشتند.

ورود به جنگ غزه: انصارالله با ورود به جنگ غزه، مشروعیت داخلی و منطقه‌ای خود را افزایش داد و این گروه را به‌عنوان مدافعان غزه در جنگ گسترده‌تر اسرائیل-فلسطین معرفی کرد. به نظر می‌رسد این راهبرد کارآمد بوده و حمایت‌های داخلی و بین‌المللی را از انصارالله افزایش داده و علاوه بر حمایت‌های داخلی، رهبر کتائب حزب‌الله در عراق گفت که گروه او برای حمله به اراضی اشغالی با انصارالله همکاری خواهد کرد. شواهد گسترده‌ای از همکاری انصارالله با گروه‌های خارجی در عراق و لبنان وجود دارد.

در نتیجه انصارالله یمن با گسترش همکاری‌های خود با دیگر گروه‌ها و بازیگران هم‌سو در منطقه و فراتر از آن و برخورداری بیشتر از حمایت‌های داخلی و خارجی به‌عنوان «مدافع غزه» در حال دگرگونی و تبدیل شدن به یک «تشکیلات نظامی قدرتمند» است.

پیشینه پژوهش

با توجه به اینکه پژوهش حاضر یک موضوع نو می‌باشد که ابعاد آن بر سطح منطقه‌ای و جهانی بررسی خواهد شد، در نتیجه مورد توجه محققان و پژوهشگران قرار گرفته است و انجام آن هم تا حدودی نیازمند دسترسی به داده‌ها و اطلاعات خاص است، لذا در خصوص این پژوهش با توجه به یافته‌های پژوهشی تاکنون غیر از برخی گزارش‌ها، تحلیل اینترنتی و یادداشت‌های کوتاه مطبوعاتی، کار پژوهشی جامع و مکتوب تدوین نشده است و چنانچه مقاله و مطلبی منتشر شده بیشتر در بحث ریشه‌های شکل‌گیری جنبش انصارالله یمن و نقش آن در رهبری تحولات این کشور بوده است و نو بودن این پژوهش به این دلیل است که به بررسی این مسئله و تأثیرگذاری انصارالله بر موضوعات منطقه‌ای و بین‌المللی خواهد پرداخت.

بنابراین می‌توان گفت که پژوهش حاضر در صورتی که به یک سرانجام مطلوب و مورد انتظار برسد، یک پژوهش راهگشا و جدید در حوزه بررسی بازیگری انصارالله یمن و تأثیرگذاری آن بر

معادلات منطقه‌ای و جهانی خواهد بود. البته برخی پژوهش‌ها در راستای این موضوع اما نه به صورت جامع صورت گرفته که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

جدول ۱. پیشینه پژوهش

ردیف	نام پژوهشگران	عنوان پژوهش	نتایج
۱	امیر عظیمی دولت‌آبادی و زهره سیف	بررسی مقایسه‌ای جنبش حزب‌الله لبنان و انصارالله یمن	نقش و تأثیر جنبش‌های شیعی در تحولات سیاسی اجتماعی منطقه خاورمیانه و مقایسه این دو جنبش شیعی در فهم تحولات اخیر کشورهای یمن و لبنان
۲	سعید خزایی، احمد ایمانی پور، عظیم علیزاده، مهرداد مؤمنی زاهد	بررسی کنشگران، عوامل کلیدی و پیشران‌های تحولات سیاسی-امنیتی یمن	تأکید بر نقش بازیگران داخلی همچون انصارالله در تحولات یمن و تأکید بر اصول عقایدی انصارالله در جهت مبارزه با آمریکا
۳	مرتضی علویان، احسان رهام، پرستو کاکاوند	هندسه نقش‌آفرینی جبهه یمن در عملیات طوفان‌الاقصی	نقش انصارالله یمن در تغییر معادلات جنگ منطقه عدم توانایی قدرت‌هایی همچون آمریکا در شکست راهبرد حمایت از مقاومت فلسطین توسط انصارالله
۴	احمد جانسیز، مصطفی تارین	بررسی ریشه‌های سیاسی و ایدئولوژیک جنبش حوثی‌ها	نقش حوثی‌ها در آینده سیاسی یمن تأکید بر مقابله با هژمونی آمریکا و صهیونیسم به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل پیشران و مهم در جایگاه سیاسی انصارالله
۵	بهزاد قاسمی	تحلیل بازتاب انقلاب اسلامی ایران در یمن بر اساس نظریه پخش	اثر بخشی انقلاب اسلامی در یمن به ویژه در عرصه‌های سیاسی و معنوی تأثیرپذیری یمن از انقلاب اسلامی ایران با تأکید بر الگوگیری گروه‌هایی همچون انصارالله و نهضت‌های اسلامی از انقلاب اسلامی و مقاومت و ایستادگی در مقابل منافع قدرت‌های بزرگ

تمایز این پژوهش با سایر پژوهش‌ها در آن است که پژوهش‌های قبلی صرفاً به موضوع شکل‌گیری و ریشه‌های تشکیل انصارالله پرداخته‌اند و به موضوع نقش‌آفرینی و تأثیرگذاری این جنبش بر معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی نپرداخته‌اند و این پژوهش علاوه بر پرداختن به موضوع

رشد و تکوین انصارالله به عنوان یک جنبش نوظهور منطقه‌ای مترصد تأثیرگذاری این بازیگر بر معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی است.

روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر به لحاظ نوع، توسعه‌ای - کاربردی و به دلیل وجود داده‌های کمی و کیفی با روش آمیخته تدوین گردیده است. روش تحقیق توصیفی تحلیلی و روش گردآوری داده‌ها اسنادی، کتابخانه‌ای و سایت‌ها و منابع معتبر انجام شده و در بخش دوم پرسشنامه محقق ساخته بوده است. این تحقیق در زمره تحقیقات اکتشافی قرار می‌گیرد. هدف اکتشافی، نوع بازیگری انصارالله در یمن و تأثیر آن بر معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی می‌باشد. در قسمت کیفی، با استفاده از روش دلفی، اطلاعات تحقیق، گردآوری و پس از هم‌پوشانی و سپس طی پرسشنامه بین جامعه نمونه آماری توزیع و گردآوری گردیده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. خبرگان و جامعه نمونه موضوع تحقیق با استفاده از روش گلوله برفی به تعداد ۳۰ نفر از اساتید متخصص با ویژگی‌های آشنایی کامل با موضوع، شاغل در مشاغل راهبردی، دارای مدارک تحصیلی دکتری و ارشد و دارای تخصص در رشته تحصیلی مربوط با موضوع تحقیق، انتخاب گردیده‌اند. در رویکرد کمی تحقیق از روش زمینه‌یابی (پیمایش) و توصیفی استفاده گردیده است. بدین طریق که پس از گردآوری، داده‌های تحقیق در قالب پرسشنامه‌ای با ۲۵ سؤال بسته و یک سؤال باز، تهیه و به رؤیت و تأیید برخی از اساتید و صاحب‌نظران و خبرگان موضوع رسید که اغلب شاخص‌ها (سوالات) دارای اعتبار بالایی بوده و سؤالاتی که از اعتبار کمی برخوردار بودند، از پرسشنامه حذف یا اصلاح گردیدند. همچنین پیشنهادات این صاحب‌نظران و اساتید مورد بررسی قرار گرفت که پس از هم‌پوشانی سوالات مشابه، پرسشنامه نهایی با ۲۵ سؤال بسته و یک سؤال باز بین جامعه نمونه آماری توزیع و جمع‌آوری گردید. پس از جمع‌آوری و استخراج داده‌های پرسشنامه‌های تحقیق، با بهره‌گیری از نرم‌افزار آماری EXCEL و با استفاده از روش‌های کمی آماری از قبیل جدول و نمودار توصیفی و استنباطی برای توصیف داده‌ها اقدام و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. همچنین با استفاده از روش کیفی تحلیل محتوا و به صورت ذهنی با بهره‌گیری از نتایج تحلیل داده‌ها، نسبت به پاسخ سؤال تحقیق اقدام گردید.

یافته‌های پژوهش

برای رسیدن به هدف پژوهش ابتدا داده‌های کیفی جمع‌آوری گردید که این داده‌ها از منابع مختلف همچون یادداشت‌برداری و مصاحبه به دست آمده است. سپس داده‌های گردآوری شده به داده‌های متنی تبدیل و پس از آن به منظور بررسی نظام‌مند توده بزرگی از داده‌های گردآوری شده به واحد سازی و مقوله‌بندی داده‌ها پرداخته شد. بر اساس منابع گردآوری شده می‌توان در بخش کیفی بازیگری انصارالله و تأثیرگذاری آن بر معادلات منطقه‌ای و جهانی را در ۴ مؤلفه ذیل تقسیم‌بندی کرد:

تأثیرگذاری بر مسائل سیاسی و نظامی منطقه‌ای و جهانی

انصارالله در طول سال‌های بعد از بیداری اسلامی توانسته است که به عنوان مهم‌ترین بازیگر عرصه سیاسی یمن ایفای نقش کند و در درگیری‌های داخلی با شبه‌نظامیان جنوب و کشورهای حمله‌کننده به این کشور موفقیت‌های متعددی کسب کند که یکی از آنها بحث دولت سازی است.

انصارالله در بحث تأثیرگذاری بر مسائل سیاسی و نظامی منطقه‌ای و بین‌المللی تأثیرات ذیل را داشته است:

الف) شکست طرح‌های آمریکایی و عربی در رابطه با یمن: مهم‌ترین طرحی که در این عرصه می‌توان عنوان کرد، بحث فدرالی کردن یمن بود که انصارالله و رهبر آن با این طرح مخالفت کردند و تقسیم یمن به ۶ منطقه فدرالی را رد کردند؛ زیرا این طرح را در راستای اقدامات و طرح‌های ابتکاری آمریکا در منطقه می‌دانستند. در همان مقطع و با مطرح شدن طرح فدرالی شدن یمن، رهبر انصارالله یمن مخالفت خود را با طرح تقسیم یمن به شش منطقه فدرال که در کنفرانس گفت‌وگوی ملی تصویب شده بود، اعلام کرد.

افول آمریکا از جایگاه هژمون برتر: شروع سریع درگیری‌ها در مارس سال ۲۰۱۵ دولت اوپاما را وادار کرد که به سرعت واکنش نشان دهد. در آغاز حمله به رهبری عربستان سعودی در ۲۵ مارس ۲۰۱۵ به یمن، دولت اوپاما اعلام کرد که ایالات متحده بدون پشتیبانی از اقدامات مستقیم نیروهای نظامی ائتلاف در یمن برای حمایت از این مداخله، پشتیبانی لجستیکی و اطلاعاتی،

سوخت‌گیری هوایی و استقرار مشاوران را برای عملیات ائتلاف فراهم خواهد کرد. پس از آن، یک واحد مشترک برنامه‌ریزی ایالات متحده و عربستان سعودی برای هماهنگی پشتیبانی نظامی و اطلاعاتی از مبارزات ایجاد شد. در شورای امنیت سازمان ملل متحد، ایالات متحده از تصویب قطعنامه ۲۲۰۱ حمایت کرد، همچنین کشورهای عضو را ملزم به تحریم تسلیحاتی علیه نیروهای حوثی کرد و خواستار عقب‌نشینی حوثی‌ها از همه مناطق شد (Congressional Research Service (CRS), B2019, P.1).

همچنین حمایت آمریکا از عربستان سعودی و وعده پشتیبانی تسلیحاتی از این ائتلاف، مشروعیتی را که عربستان سعودی در عرصه بین‌المللی به دنبال آن بود، تسهیل کرد. علاوه بر این، اجماع کشورهای عربی در شورای امنیت و تمایل آن‌ها به تحریم سلاح‌های جنبش انصارالله در یمن، پیروزی دیگری بر مشروعیت بین‌المللی تهاجمات نظامی ریاض بود. (Soleimani, Aghamolaei & Alishahi, 2019, P.5).

ج) افزایش قدرت چانه‌زنی منطقه‌ای و بین‌المللی: انصارالله در جهت افزایش قدرت چانه‌زنی خود در دو بُعد ورود پیدا کرده است:

- اول؛ تعامل با قدرت‌های جهانی: با حضور طولانی مدت غرب در دریای سرخ و آب‌های اطراف شبه‌جزیره عربستان، با توجه به اینکه روسیه با چالش‌هایی در اوکراین مواجه و چین نیز در تایوان و دریای چین جنوبی دچار موضوعاتی است، قدرت‌هایی مانند روسیه و چین امکان دارد به حمایت از حوثی‌ها سوق داده شوند تا توجه ایالات متحده و اروپا را به این منطقه راهبردی منحرف کنند (Abaadstudies, 2024:2).

در کنار این شبکه متحدان، حوثی‌ها همچنین در حال تشدید تماس‌ها با روسیه هستند. هیئت‌های دو طرف در سال ۲۰۲۴ بارها با یکدیگر ملاقات کرده‌اند. پرسنل اطلاعات نظامی روسیه در مناطق تحت کنترل حوثی‌ها در یمن حضور دارند. حوثی‌ها در حال مذاکره با روسیه برای تأمین تسلیحات، به‌ویژه موشک‌های ضد کشتی هستند؛ و مسکو داده‌های ماهواره‌ای در مورد کشتیرانی را با این گروه به اشتراک گذاشته است (Ardemagni, 2012:2).

- دوم؛ تشکیل ائتلاف‌های مکمل مقاومت: ائتلاف‌های بین منطقه‌ای و مکمل محور مقاومت به انصارالله کمک می‌کند به خواسته‌های مشخص شده خود برسد و اهرم‌های سیاسی خود

را در مذاکرات با عربستان سعودی برای آتش‌بس در یمن تقویت کند. نمونه بارز تشکیل این ائتلاف‌ها، ائتلاف آن‌ها با گروه‌های عراقی است که به‌طور رسمی عملیات نظامی خود را در جهت حمله به اسرائیل هماهنگ کرده‌اند و مشترکاً برخی حملات به بنادر رژیم صهیونیستی را برعهده گرفته‌اند (همان، ۳).

د) تبدیل شدن به بازیگر مهم نظامی: انصارالله امروزه در بسیاری از تجهیزات نظامی به یک بازیگر خودکفا تبدیل شده است که دارای ابزارآلات مهم نظامی همچون موشک هایپر سونیک است. مهم‌ترین این تسلیحات پهپادها و موشک‌های کروز با موشک‌های بالستیک است. اخیراً هم انصارالله شلیک سلاح‌های سبک از قایق‌های تندرو را انجام داده است. بحران دریای سرخ، ارتش آمریکا را با خستگی اساسی مواجه ساخته و هم‌چنین این کشور مقادیر کافی موشک‌های هدایت‌شونده، بمب‌های لیزری، جنگنده و ناو جنگی را ندارد. همچنین موفقیت ارتش یمن یک‌بار دیگر ثابت کرد که ایالات متحده آمریکا به‌عنوان یک ابرقدرت از صحنه جهانی کنار گذاشته می‌شود و بازیگران کوچک می‌توانند توانمندی‌هایی را از خود نشان دهند.

تأثیرگذاری بر مسائل انرژی

بنادر و دریاهای مهمی در موقعیت جغرافیایی یمن قرار گرفته‌اند که مهم‌ترین آن‌ها باب المندب و دریای سرخ است. همه جهان و به‌ویژه آمریکا از اهمیت تنگه باب المندب و آب‌های دریای سرخ برای تجارت جهانی آگاه هستند، زیرا روزانه حدود ۶,۲ میلیون بشکه نفت خام از این آبراه عبور می‌کند. حدود ۳۰ درصد از تجارت جهانی گاز طبیعی از طریق این تنگه عبور می‌کند. انصارالله یمن به‌عنوان بخشی از محور ضد آمریکایی-اسرائیلی در منطقه و با پیروی از نیروهای مقاومت در عراق، لبنان و سوریه، دریای سرخ را برای شناورهای مقصد اسرائیل ناامن کرده است... علاوه بر این، انصارالله قصد دارد از وضعیت موجود برای نشان دادن مواضع ضد اسرائیلی و تمایز خود با برخی کشورهای عربی که آشکارا یا تلویحاً روابط خود را با اسرائیل عادی کرده‌اند، استفاده کند. در زمانی که احساسات عمومی در کشورهای عربی با مخالفت با اسرائیل و وحشیگری‌های آن علیه فلسطینی‌ها طنین‌انداز می‌شود، اقدامات انصارالله در دریای سرخ به‌عنوان پاسخی محکم از سوی کشورهای عربی مورد ستایش قرار می‌گیرد که منجر به انتقاد از دولت‌های خود به دلیل انفعال می‌شود (Geshani, 2024:2).

همچنین اقدامات انصارالله در عرصه انرژی و مورد حمله قرار دادن کشتی‌های به مقصد فلسطین اشغالی منجر به فرسایش رهبری ایالات متحده شده است که هر بازیگری به بهای یافتن یک چارچوب جمعی، دستور کار خود را دنبال می‌کند. این امر باعث تشدید پراکندگی سیاسی می‌شود - نه تنها در دریای سرخ، بلکه در سراسر خلیج فارس و خاورمیانه. این روند، نهادهای منطقه‌ای موجود را کنار می‌گذارد و از ائتلاف‌های موقتی که ممکن است با یکدیگر رقابت کنند، حمایت می‌کند. این امر خطر هدر دادن منابع دیپلماتیک و نظامی ذینفعان را به همراه دارد که پیامدهای فوری برای موفقیت عملیات نگهدارنده رفاه دارد. در درازمدت، این تحولات در دریای سرخ همچنین مشکلات فزاینده‌ای را که واشنگتن در شکل دادن به معماری امنیتی خاورمیانه دارد، پیش‌بینی می‌کند (Jean-Loup, 2024:2).

راهبرد غرب در دریای سرخ که بر بازدارندگی، تخریب و تضعیف توانایی‌های حوثی‌ها تکیه داشت، شکست خورد. اشکالات این راهبرد مشارکت نداشتن ذی‌نفعان کلیدی (محلی و بین‌المللی)، تفرقه و ضعف ائتلاف غربی، دست کم گرفتن تهدید حوثی‌ها و فقدان رویکرد منسجم سیاسی و راهبردی بود.

تأثیرگذاری بر مسائل ژئوپلیتیکی

یمن به دلیل برخورداری از موقعیت جغرافیایی منحصربه‌فرد و دارا بودن مزیت‌های ژئوپلیتیکی از امکان مناسبی برای عملی کردن تهدیدات خود علیه رژیم صهیونیستی برخوردار است. در این میان تمرکز انصارالله نیز بر روی تنگه باب المندب است که یکی از مهم‌ترین محورهای انرژی به دریای سرخ و به سمت سرزمین‌های اشغالی است که هرگونه تنش در آن منجر به ضربه خوردن به انرژی این رژیم خواهد شد. نزدیک به ۹۰ درصد از تجارت این رژیم در عرصه دریا است و نیمی از این ۹۰ درصد از طریق آب‌های منطقه‌ای و منطقه خلیج فارس است که هرگونه خلل و تنش در این آب‌ها منجر به ضربه سنگین به اقتصاد این رژیم خواهد شد.

همچنین نقش آفرینی یمن در عملیات طوفان الاقصی از زمان اعلام این موضوع توسط عبدالملک الحوثی رئیس جنبش انصارالله در رد هر نوع تجاوز رژیم صهیونیستی ضد ملت فلسطین به عنصر مهمی در معادلات درگیری فعلی تبدیل شده و نیروهای مسلح یمن را از طریق مجموعه عملیات‌ها در دریای سرخ و تنگه باب المندب به یک بازیگر اساسی مبدل کرده است. این

عملیات‌ها تأثیرات بسیار بزرگی بر رژیم صهیونیستی از یک طرف و آمریکا از طرف دیگر داشته و به مشکلی امنیتی برای آمریکا تبدیل شده و واشنگتن را در برابر گزینه‌هایی سخت و دردناک قرار داده است. بر اساس اعلام مجله اکونومیست چهار شرکت معتبر دریانوردی در جهان شامل CMA CGM, Hapag-Lloyd, Maersk, MSC بعد از حملات صورت گرفته خدمات خود در منطقه دریای سرخ را متوقف کردند. این مجله با اشاره به اینکه شرکت‌های مذکور حمل و نقل حدود ۵۳ درصد از محموله‌های دریایی را بر عهده دارند، اعلام کرد که حدود ۱۲ درصد از مجموع حجم تجارت جهانی از تنگه باب المندب عبور می‌کند که شامل ۳۰ درصد از محموله‌های بین‌المللی است (الغریب، ۲۰۲۳: ۱).

تأثیرگذاری بر رویکردهای کلان منطقه‌ای

اقدامات انصارالله در طول یک سال گذشته منجر به تغییر روندهای مهمی در سطح منطقه‌ای شده است که مهم‌ترین آن‌ها موارد ذیل است:

الف) تثبیت انصارالله به عنوان مهم‌ترین بازیگر مداخله‌گر: حوثی‌ها از روزهای پس از حمله حماس به اسرائیل در هفتم اکتبر ۲۰۲۳ توانایی خود را در استفاده از جغرافیا برای تسلط و اختلال در تجارت جهانی نشان داده‌اند. موفقیت آن‌ها مشهود است، زیرا مسیر دریای سرخ -شریان حیاتی‌ای که ۱۰ درصد تجارت دریایی جهان را به خود اختصاص می‌دهد- شاهد رکود بی‌سابقه‌ای بود و ترانزیت سالانه کشتی‌ها در دریای سرخ ۵۶ درصد کاهش یافته است.

رویدادهای سال گذشته نشان‌دهنده سازگاری و ساختار غیرمتمرکز حوثی‌ها در بحبوحه شرایط در حال تغییر میدان نبرد است و قصد آن‌ها برای تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای با نفوذ گسترده‌تر بر سیاست‌های منطقه‌ای را برجسته می‌کند. این گروه تحولات بین‌المللی کنونی و ظهور نظم جهانی دوقطبی جدید را به عنوان فرصتی برای تحکیم موقعیت خود به عنوان نیروی مسلط در یمن و بازیگر کلیدی در سیاست منطقه‌ای می‌بیند. هدف آن‌ها این است، خود را با ایران -به عنوان قدرت منطقه‌ای- و روسیه و چین -دو ابرقدرت جهانی در شورای امنیت که منافعی در تعامل بیشتر با ایالات متحده در امور خاورمیانه دارند- هماهنگ کنند. در حال حاضر حوثی‌ها از اعتبار سلاح‌های فراصوت به عنوان ابزاری برای جلب توجه استفاده می‌کنند. در آینده نیز یمن با توجه به موقعیت جغرافیایی و توانایی اثبات شده‌اش برای مخفی کردن سایت‌های پرتاب در زمین ناهموار خود،

می‌تواند به‌عنوان مکانی عالی برای چنین سلاح‌هایی عمل کند. علاوه بر این، روابط رو به رشد حوثی‌ها با عراق می‌تواند نفوذ این گروه را در مرز شمالی عربستان سعودی و پایگاه‌های آمریکا در آنجا افزایش دهد. این عوامل ترکیبی باعث افزایش قدرت و اثربخشی حوثی‌ها در محور مقاومت شده است. حوثی‌ها به‌عنوان گروه مسلح و دارای اهداف مذهبی ناشی از فرقه زیدی، در کنار اهداف سیاسی داخلی می‌توانند در آینده نزدیک نقش بیشتری در صحنه منطقه ایفا کنند (Abaadstudies, 2024:2).

ب) نمایش قدرت منطقه‌ای: حوثی‌ها و جبهه داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی خود را به‌عنوان مدافعان آرمان فلسطین به‌طور چشمگیری تقویت کرده‌اند. حضور فعال حوثی‌ها در جنگ علیه اسرائیل و ایالات متحده یک نمایش مفید قدرت در خارج از کشور یمن برای این جنبش است. حوثی‌ها با انجام اقدامات گسترده و مختلف توانسته‌اند این پیام منطقه‌ای را ارسال کنند که آن‌ها یک نیروی نظامی هستند که نمی‌توان آن‌ها را نادیده گرفت (Faozi, Rahman, 2024:3).

ج) ایجاد اهرم‌های فشار علیه آمریکا و اسرائیل: یمن موفق شده از موقعیت استراتژیک خود به‌عنوان ابزار قدرت در موازنه‌های بین‌المللی استفاده کرده و خود را به‌عنوان بخشی مهم در معادله‌های کنونی نشان داده و ثابت کند که حامی و پشتیبان ملت فلسطین است که در معرض نسل‌کشی قرار دارند. عملیات‌های یمن به اقدامی مؤثر در این عرصه تبدیل شد و تغییراتی را در معادلات منطقه‌ای به وجود آورده و به اهرم فشاری قدرتمند ضد آمریکا و رژیم صهیونیستی تبدیل شده است. به این ترتیب یمن به کشوری تأثیرگذار در معادلات ژئوپلیتیک در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شده و خود را به‌عنوان یک کشور محوری در حل تنش‌های منطقه‌ای مطرح کرد. عملیات دریایی نیروهای مردمی یمن و فلج شدن خطوط کشتیرانی رژیم صهیونیستی و کشتی‌های این رژیم و کشتی‌هایی که به سمت بنادر این رژیم حرکت می‌کنند، مشکلات پیچیده‌ای را برای دولت آمریکا ایجاد می‌کند که بدون در نظر گرفتن مطالبات ملت و دولت یمن، حل این مشکلات غیرممکن به نظر می‌رسد. این موضوع بنا به چند دلیل حائز اهمیت است: اول اینکه باب المندب تنگه‌ای راهبردی است که کشتی‌های تجاری در چارچوب تجارت جهانی خود از آن عبور می‌کنند و هرگز نمی‌توان آن را نادیده گرفت.

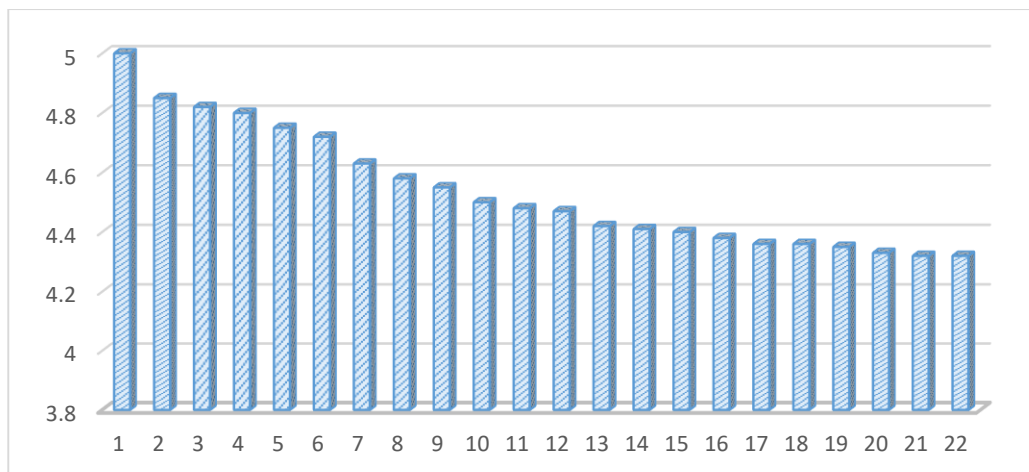
دوم: آمریکا قدرت اعمال تحریم یا اتخاذ اقداماتی ضد نیروهای مردمی در یمن را در واکنش به موضع قاطع جنبش انصارالله ضد جنگ رژیم صهیونیستی ندارد؛ چراکه این کشور بخشی از منظومه کشورهای وابسته به آمریکا و غرب نیست و می‌تواند از اهرم‌های قدرت خود ضد این کشورها استفاده کرده و فشارهای اقتصادی و مالی و نظامی آمریکا به جنبش انصارالله نیز هیچ فایده‌ای برای حل این مشکل نخواهد داشت.

سوم اینکه ملت یمن به عنوان یک ملت قهرمان و مبارز و اصیل شناخته می‌شود که همواره به عربیت خود احترام می‌گذارد و اجازه ظلم کردن به خود و دیگر ملت‌های منطقه را نمی‌دهد (الغریب، ۲۰۲۳: ۲).

براساس رویکرد موازنه همه‌جانبه، انصارالله علاوه بر تثبیت موقعیت خود در داخل یمن به دنبال تشکیل اتحادها و ائتلاف‌هایی است که جهت‌گیری آن‌ها مقابله با آمریکا و اسرائیل باشد که در این راستا علاوه بر حضور در محور مقاومت و تقویت موقعیت این محور به دنبال تقویت اتحادهایی فراتر از این مسئله در قالب افزایش تعاملات با قدرت‌های بزرگ به‌ویژه روسیه است.

انصارالله به عنوان مهم‌ترین بازیگر داخلی در عرصه سیاسی یمن یک سلسله از مراتب نمو و رشد را انجام داده و امروزه به عنوان یک بازیگر فراملی شناخته می‌شود که اقدامات و کنشگری‌های آن تأثیرات بسزایی در معادلات منطقه و جهان دارد. باین وجود و بر اساس مفروضات احصا شده بازیگری انصارالله در منطقه منجر به تأثیرگذاری آن بر معادلات منطقه‌ای و جهانی شده است. برای تجزیه و تحلیل تأثیرات بازیگری انصارالله بر تعاملات منطقه‌ای و جهانی مؤلفه‌ها و شاخصه‌های مهم و تأثیرگذار مبتنی بر داده‌های کیفی و داده‌های محیطی شناسایی شده در جدول و مدل مفهومی نمایش داده شده است. با توجه به موارد پیش گفته و در راستای پاسخ به سؤال تحقیق مبنی بر تأثیرات بازیگری انصارالله یمن و تأثیر آن بر معادلات منطقه‌ای و جهانی، تعداد ۲۲ مؤلفه احصاء، که «شکست معماری امنیتی منطقه‌ای آمریکا» موثرترین مؤلفه و «تحمیل هزینه‌های هنگفت به صادرکنندگان انرژی منطقه و واردکنندگان آن (اروپا و آمریکا)» به عنوان کم‌اثرترین عامل تعیین گردیدند. در ادامه نتایج تحقیق به ترتیب اولویت میانگین ارائه می‌گردد:

نمودار شماره ۱: میانگین بازیگری انصارالله و تأثیر آن بر معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی



جدول در یک نگاه شماره ۱: بازیگری انصارالله و تأثیرات آن بر معادلات منطقه‌ای و جهانی به ترتیب اولویت

ردیف	بازیگری انصارالله یمن و تأثیر آن بر معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	میانگین
۱	شکست معماری امنیتی منطقه‌ای آمریکا	۳۰	۰	۰	۰	۰	۵
۲	تبدیل شدن انصارالله به عنوان یک الگوی مهم جنبش محلی در شکست راهبردی آمریکا	۲۱	۹	۰	۰	۰	۴,۸۵
۳	تلاش برای تغییر موازنه قوا در سطح منطقه‌ای با رویکرد همه شمولی اتحاد با کشورهای دیگر	۲۱	۹	۰	۰	۰	۴,۸۲
۴	توانایی در جهت ضربه زدن به انرژی اسرائیل از طریق ناامن کردن دریای سرخ	۲۱	۹	۰	۰	۰	۴,۸۰
۵	افزایش قدرت چانه‌زنی بین‌المللی	۲۰	۹	۱	۰	۰	۴,۷۵
۶	ایجاد جنگ انرژی با سایر کنش‌گران منطقه‌ای همچون آمریکا و اسرائیل	۱۸	۱۲	۰	۰	۰	۴,۷۲
۷	عدم شکست حماس در غزه و شکست طرح‌های منطقه‌ای آمریکا و اسرائیل	۲۰	۷	۳	۰	۰	۴,۶۳
۸	کنش‌گری انصارالله با قدرت‌های جهانی	۱۵	۱۵	۰	۰	۰	۴,۵۸
۹	تسلط بر مناطق ژئواستراتژیک و گلوگاه‌های مهم انرژی در سطح منطقه	۱۵	۱۵	۰	۰	۰	۴,۵۵

ردیف	بازیگری انصارالله یمن و تأثیر آن بر معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	میانگین
۱۰	تبدیل شدن انصارالله به عنوان یک الگوی مهم جنبش محلی در شکست راهبردی آمریکا	۱۵	۱۵	۰	۰	۰	۴,۵۰
۱۱	توان انجام اختلال در عرصه انرژی منطقه‌ای و جهانی	۱۶	۱۳	۱	۰	۰	۴,۴۸
۱۲	افول آمریکا از جایگاه هژمون برتر	۱۴	۱۶	۰	۰	۰	۴,۴۷
۱۳	توانایی تحت تأثیر قرار دادن امنیت انرژی آمریکا و اروپا	۱۴	۱۶	۰	۰	۰	۴,۴۲
۱۴	تثبیت انصارالله به عنوان مهم‌ترین بازیگر مداخله‌گر	۱۸	۷	۵	۰	۰	۴,۴۱
۱۵	ایجاد اهرم‌های فشار علیه آمریکا و اسرائیل	۱۳	۱۷	۰	۰	۰	۴,۴۰
۱۶	شکست طرح‌های آمریکایی و عربی در رابطه با یمن	۱۵	۱۳	۲	۰	۰	۴,۳۸
۱۷	تأثیرگذاری انصارالله بر مسائل انرژی و امنیتی جهان با بازیگری فعال در این حوزه	۱۳	۱۷	۰	۰	۰	۴,۳۶
۱۸	ایجاد یک نظم جدید اقتصاد دریا محور در خلیج فارس	۱۳	۱۷	۰	۰	۰	۴,۳۶
۱۹	افزایش تهدیدات جمعی علیه منافع آمریکا و اسرائیل با توجه به موقعیت جغرافیایی یمن	۱۳	۱۷	۰	۰	۰	۴,۳۵
۲۰	تبدیل شدن انصارالله به بازیگر مهم نظامی	۱۳	۱۶	۱	۰	۰	۴,۳۳
۲۱	ایجاد حصار امنیتی علیه آمریکا و اسرائیل و به شکست کشاندن آن‌ها	۱۱	۱۹	۰	۰	۰	۴,۳۲
۲۲	تحمل هزینه‌های هنگفت به صادرکنندگان انرژی منطقه و واردکنندگان آن (اروپا و آمریکا)	۱۴	۱۳	۳	۰	۰	۴,۳۲

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

انصارالله یمن که توسط حکومت وقت علی عبدالله صالح با سرکوب‌های داخلی مواجه بود، بعد از بیداری اسلامی در منطقه به یک بازیگر مهم تبدیل شد که در سیر تحولات منطقه و به‌ویژه بعد از جنگ غزه به عنوان یک بازیگر مهم جهانی شناخته می‌شود. در پژوهش مدنظر بازیگری انصارالله یمن و تأثیرات آن بر معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی بررسی شد. درواقع به دلیل اهمیت

محور مقاومت در سطح منطقه، بازیگری انصارالله یمن منجر به تأثیرگذاری آن در ابعاد نظامی-امنیتی، سیاسی، انرژی و تعاملات کلان منطقه‌ای شده است که این مسائل می‌تواند موارد فرصت را برای محور مقاومت و انصارالله یمن باشد.

بعد از شناسایی و احصای معیارهای لازم از ادبیات تحقیق و استخراج مؤلفه و شاخص‌های مؤثر از دانش ضمنی و داده‌های توصیفی، با تنظیم پرسشنامه، تعیین تأثیر هر عامل مشخص شد. بر اساس تجزیه و تحلیل نظر کارشناسان و نتایج تحلیلی یافته ۴ عامل اصلی مؤثر و ۲۲ شاخص ذیل هر مؤلفه به عنوان متغیرهای مؤثر بر تأثیرگذاری بر معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی تعیین شد. از میان عوامل ذکر شده گویه‌های شکست معماری امنیتی منطقه‌ای آمریکا و تبدیل شدن انصارالله به عنوان یک الگوی مهم جنبش محلی در شکست راهبردی آمریکا بار عاملی بالاتری داشتند.

در توصیف یافته‌ها گفتنی است که اسرائیل با عادی سازی مترصد هویت بخشی به خود و هژمون شدن در سطح منطقه است که این مسئله را در طرح‌های منطقه‌ای خود در نظر گرفته است. بر این اساس مؤلفه‌های مؤثر در بازیگری انصارالله و تأثیرگذاری آن بر معادلات منطقه‌ای و جهانی عبارت‌اند از؛

- تأثیرگذاری بر مسائل انرژی، تأثیرگذاری بر مسائل نظامی و سیاسی، تأثیرگذاری بر مسائل جغرافیایی و تأثیرگذاری بر موضوعات کلان منطقه‌ای.
- بنابراین بازیگری انصارالله یمن از چند جهت بر معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی اثرگذار است:
- توانایی در جهت ضربه زدن به انرژی اسرائیل از طریق ناامن کردن دریای سرخ؛
- افزایش قدرت چانه‌زنی بین‌المللی؛
- ایجاد جنگ انرژی با سایر کنشگران منطقه‌ای همچون آمریکا و اسرائیل؛
- عدم شکست حماس در غزه و شکست طرح‌های منطقه‌ای آمریکا و اسرائیل؛
- کنشگری انصارالله با قدرت‌های جهانی؛
- تسلط بر مناطق ژئواستراتژیک و گلوگاه‌های مهم انرژی در سطح منطقه؛
- توان انجام اختلال در عرصه انرژی منطقه‌ای و جهانی.

پیشنهاد می شود که انصارالله در جهت پیشبرد بازیگری خود در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی موارد ذیل را اتخاذ کند:

- تقویت بنیه‌های نظامی و اقتصادی خود در داخل یمن جهت تأثیر گذاری بر تحولات منطقه‌ای و جهانی؛
- ائتلاف سازی با بازیگران فرامنطقه‌ای مخالف با رویکردهای آمریکا در سطح منطقه همچون روسیه؛
- تلاش در جهت تشکیل دولت وحدت ملی و نقش آفرینی این دولت در تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی؛
- استفاده از ظرفیت اجماع سازی جنبش‌های مقاومت منطقه‌ای در جهت وارد کردن ضربات مهم به آمریکا و اسرائیل؛
- حضور انصارالله یمن در قالب دولت نجات ملی در سازمان‌های منطقه‌ای؛
- افزایش تعاملات سیاسی با کشورهای عربی به‌ویژه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس.

فهرست منابع

- قرآن کریم
- آقایور رضا، (۱۳۹۵)، بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سبک زندگی خانواده از دیدگاه قرآن و حدیث، رساله دکتری، استاد راهنما سید علی‌اکبر ربیع، دانشگاه مازندران، دانشکده الهیات.
- اخلاقی حلیمه، (۱۳۹۵)، مبانی و الگوهای رفتاری مطلوب سبک زندگی از دیدگاه قرآن کریم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما سید حسین شرف‌الدین، دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه، پژوهشکده علوم اسلامی.
- اسمعیلی طاهره، (۱۳۹۵)، پیامدهای آموزشی مشارکت والدین در انجمن اولیا و مربیان، تهران: انتشارات موجک.
- ابن بابویه، (۱۳۷۸ق)، عیون اخبار الرضا، تصحیح مهدی لاجوردی، تهران: نشر جهان.
- ابن طاووس، (۱۳۸۷)، علی بن موسی فلاح السائل و نجاح المسائل فی عمل الیوم و اللیلة، قم: چاپ غلامحسین مجیدی.
- بنانی ملیحه، (۱۳۹۸)، مطالعه‌ای با عنوان نقش شاخص‌های اجتماعی اقتصادی مؤثر در سبک زندگی ایرانی اسلامی مورد پژوهی: اصفهان، کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی.
- بنائیان سفید محمد، (۱۳۹۵)، واکاوی مفهومی سبک زندگی اسلامی - ایرانی از دیدگاه مقام معظم رهبری در آینه آیات و روایات، مجله مدیریت فرهنگی، ۹(۳۰): ۵۹-۹۰.
- پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، (۱۳۹۰)، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، تهران.
- Dery-Chaffin, M.(2020). Parental Involvement in Title I Schools: Examining Perspectives of Parents and Teachers (Doctoral dissertation, Arizona State University).
- Everson, B., Mackintosh, K. A., McNarry, M. A., Todd, C., & Stratton, G. (2019). Can wearable cameras be used to validate school-aged children's lifestyle behaviours Children, 6(2), 20.
- Loewen, O. K., Maximova, K., Ekwari, J. P., Faught, E. L., Asbridge, M., Ohinmaa, A., & Veugelers, P. J. (2019). Lifestyle behavior and mental health in early adolescence. Pediatrics, 143(5), e20183307.

